سرمقاله: دلار، نفت و یورو

حسن تاش، سید غلامحسین

اعلام چند هفته پیش دولت عراق مبنی بر اینکه تنها حاضر است‏ نفت خود را در مقابل دریافت واحد پول اروپایی(یورو)به فروش برساند موجب شد که یک بار دیگر مسئله ارتباط«یورو»و نفت و موضوع بحث محافل‏ اقتصادی قرار گیرد،البته قصد رژیم صدام حسین از طرح این موضوعات چیز دیگری است،طی چند ماه اخیر دولت عراق با مغتنم دانستن این فرصت که‏ در حال حاضر ظرفیت‏های مازاد تولید نفت در جهان بسیار کاهش یافته است‏ و با علم به این‏که در هرحال میزان ظرفیت مازاد تولید نفت موجود در جهان در حد میزان صادرات این کشور نیست،کوشیده است که بازار آسیب‏پذیر جهانی نفت را به بهانه‏های گوناگون مورد تهدید قرار داده و قیمت‏های جهانی‏ نفت را در جهت بالا تحت فشار قرار دهد و اینک یورو به عنوان دست‏آویز انتخاب شده است.البته چندی پیش نیز«ژاک سانته»عضو پارلمان اروپا و رئیس پیشین کمیسیون اروپا و کسی که روزنامه الشرق الاوسط(در شماره نهم اکتبر گذشته خود)وی را پدر معنوی و بنیانگذار یورو نامیده‏ است در جریان نشست مشترک سران اقتصادی اروپا و شورای همکاری‏ خلیج فارس،به تولیدکنندگان نفت خلیج فارس توصیه کرد که در معاملات خود با اروپا به جای دلار از یورو استفاده کنند.بنابر گزارش‏ خبرگزاری رویتر«سانته»در دوبی اظهار داشت که:«من مطمئن هستم که‏ اگر موضوع دادوستد نفت با یورو را بررسی کنیم،جو اعتماد مشارکت‏ میان اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس افزایش خواهد یافت و این امر به تحقق ثبات در بازار جهانی نفت کمک خواهد نمود.»

با بررسی تقدم و تأخیر میان اظهارات«سانته»و ادعای دولت عراق‏ این احتمال نیز قابل استناد است که رژیم صدام از همین اظهارات الهام‏ گرفته باشد.در هرحال ما نیز این مسئله را بهانه قرار داده‏ایم 2 که به‏ بررسی ارتباطات متقابل بین«یورو»و نفت بپردازیم.

دلار و نفت

پس از حاکم شدن نظام ارزی«برتن وودز»بر جهان(1944)و خصوصا پس از سقوط نظام مذکور و با شناور شدن دلار که در سال‏ 1971 اتفاق افتاد،همواره وجود دلار به عنوان پول پولها و به عنوان ابزار جهانی برای قیمت‏گذاری و معاملات یکی از مهمترین ابزارهای تسلط اقتصادی آمریکا بر جهان بوده است.قیمت‏گذاری نفت بر مبنای دلار موجب شد که به دنبال وقوع شوک اول نفتی در سال 1973 همگام با چند برابر شدن قیمت‏های جهانی نفت،تقاضای جهانی برای دلار نیز چند برابر افزایش یافت و این در شرایطی بود که دلار در سراشیبی سقوط قرار گرفته و به پول داغ تبدیل شده است و از این طریق دلارهای داغ به‏ دلارهای نفتی تبدیل شدند و از آنجا که به دلیل تضعیف دلار در مقابل‏ سایر ارزهای معتبر جهانی قدرت خرید کشورهای اوپک در آمریکا بیشتر از سایر کشورهای صنعتی بود و همچنین با توجه به اینکه اکثر این‏ کشورها تحت سلطه و نفوذ آمریکا قرار داشتند،افزایش قیمت نفت در جریان شوک اول نفتی کمک کرد که بخش قابل‏توجهی از دلارهای‏ سرگردان به آمریکا بازگشت شود.

افزایش اخیر قیمت‏های جهانی نفت نیز منافعی را برای اقتصاد کلان‏ آمریکا در برداشته است که ما قبلا به آن پرداخته‏ایم(اقتصاد انرژی،شماره‏ 10،مقاله ایالات متحده،انتخابات ریاست جمهوری و قیمت‏های جهانی‏ نفت)از جمله منافعی که به لیست قبلی ما باید اضافه کرد،همین مسئله‏ تقویت دلار و ضعف«یورو»در مقابل آن می‏باشد،آمریکایی‏ها قطعا توجه دارند که قدرت یافتن یورو در طولانی مدت برای اقتصاد ایشان‏ خطرناک است بنابراین تضعیف یورو آن هم در زمانی که این ارز جدید در دوران جنبی بسر می‏برد برای آمریکا از اهمیت برخوردار خواهد بود.

یورو و نفت

همانگونه که اشاره شد بدون شک تمام کشورهای جهان در دوران‏ پس از حاکم شدن نظام«برتون وودز»از تسلط دلار بر اقتصاد جهانی به‏ گونه‏ای در فشار و در رنج بوده‏اند در این میان طبعا جامعه اروپا و ژاپن با بیشترین مشکل مواجه بوده‏اند چرا که این کشورها،توسعه‏یافته و دارای‏ اقتصادهایی قوی بوده و از بسیار جهات و خصوصا از نظر فن‏آوری‏ چیزی از ایالات متحده آمریکا کم نداشته‏اند،اما ابعاد اقتصاد آمریکا در کنار تسلط دلار از جمله مهمترین عواملی بوده است که ایشان را به عنوان‏ قدرت‏های اقتصادی دسته دوم نگهداشته است.

بنابراین کشورهای اروپایی از انگیزه کافی برای مقابله با سلطه جهانی‏ دلار برخوردارند و این مقابله از دیرباز صریحا یا تلویحا در استراتژی‏های ملی این کشورها گنجانده شده است.ادغام اقتصادی 11 کشور اروپایی که نقطه عطف آن در وحدت پولی اروپا و تحقق«یورو» تبلور یافته است مسئله برتری ابعاد را حل نموده است،چنانچه آمار و ارقام مربوط به سرزمین یورو را با آمار و ارقام مربوط به اقتصاد آمریکا مقایسه نماییم ملاحظه خواهیم نمود که سرزمین اولیه یورو(با 11 کشور) از نظر شاخص‏های مختلفی مانند جمعیت،تولید ناخالص داخلی،سهم‏ در تجارت جهانی،بهره‏وری و...می‏توان رقابت با آمریکا را داراست و این در صورتی است که هیچ‏یک از کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی و پولی‏ اروپا به طور منفرد و مجزا از چنین توانی برخوردار نبودند،اگر سرزمین‏ نهایی یورو را مورد توجه قرار دهیم ابعاد و اهمیت موضوع از این نیز فراتر خواهد رفت بنابراین چنانچه دوران سلطه دلار در اقتصاد جهانی‏ پایان یافته و«یورو»بتواند تدریجا نقش و جایگاه مناسب را به دست‏ آورد،دوران سیطره آمریکا بر اقتصاد جهانی نیز پایان خواهد پذیرفت. نکته جالب توجه این است که گسترش سرزمین یورو به وضعیت نهایی‏ خود و پیوستن سایر اعضای جامعه اروپا به اتحادیه اقتصادی و پولی نیز به‏ نوبه خود تا حد زیادی بستگی به میزان توفیق یورو خواهد داشت.

اما آنچه که ذکر شد تنها بیان آمار و آرزوهای جامعه اروپاست که تحقق آن‏ نیازمند فرصت طولانی و مستلزم توان این‏جامعه در شناخت به موقع و غلبه‏ بر مشکلات و فرصت‏طلبی و استفاده به هنگام از فرصت‏های تاریخی است.

خبر و نظر

سرگردانی و آشفتگی‏ در بازار جهانی نفت

طی چند هفته اخیر بازار جهانی نفت شاهد انبوهی از تناقضات گفتاری و اظهارنظرهای‏ آشفته است.در حالی که عده‏ای بازار را اشباع و مواجه با مازاد عرضه می‏دانند جمعی دیگر کماکان ضرورت افزایش بیشتر در تولید اوپک را گوشزد می‏کنند.برخی دیگر در همان حالی که‏ مشکلات بازار نفت و افزایش قیمت‏های جهانی‏ نفت را ناشی از عواملی غیر از عرضه و تقاضا می‏دانند،آمادگی خود را جهت عرضه بیشتر نفت‏ اعلام می‏نمایند.در جریان کنفرانس تولیدکنندگان‏ و مصرف‏کنندگان نفت که در روزهای 17 و 19 نوامبر در ریاض،عربستان سعودی برگزار شد نیز شاهد اوج‏گیری اینگونه تعارض‏ها بودیم.اینک‏ سؤال اینست که این آشفتگی از کجا ناشی‏ می‏شود و تعارض‏ها را چگونه می‏توان به تحلیل‏ کشید؟به نظر می‏رسد که پاسخ این سؤال را در نکات ذیل می‏توان جستجو کرد:

1-در دوران بعد از وقوع شوکهای اول و دوم‏ نفتی و به دنبال آژانس بین المللی انرژی، در کنار اقدامات گسترده‏ای که در کشورهای‏ صنعتی در زمینه کاهش وابستگی اقتصاد به‏ انرژی و کاهش وابستگی انرژی به نفت و خصوصا نفت اوپک و خلیج فارس،صورت‏ پذیرفته است،دو اهرم اصلی برای کنترل بازار نفت خصوصا در شرایط بحرانی وجود داشته‏ است.این دو اهرم عبارت‏اند از وجود ظرفیت‏های مازاد تولید در کشورهای عضو سازمان اوپک و وجود ذخایر استراتژیک و تجاری در کشورهای مصرف‏کننده.

2-در میان دو اهرم فوق الذکر اهرم اول یعنی‏ ظرفیت‏های مازاد تولید از اهمیت بسیار بیشتری‏ برخوردار است اگر بخواهیم این دو اهرم را با یکدیگر مقایسه کنیم می‏توان مثال اهمیت شمشیر و خنجر برای یک مرد جنگی را ذکر نمود.بدون‏ «یورو»تنها زمانی خواهد توانست به سلطه دلار پایان دهد که در مبنای‏ قیمت‏گذاری کالاها حضور و نقش پیدا کند و این خود مستلزم تقویت‏ مستمر یورو و تضعیف مستمر دلار است و در این میان عنصر نفت‏ می‏تواند از اهمیت زیادی برخوردار باشد.نفت کالایی است که به طور مستمر،همه‏روزه و در احجام قابل‏توجه مبادله می‏شود و چنانچه‏ فی المثل کشورهای صادرکننده نفت عضو اوپک نفت خود را در مقابل‏ «یورو»معامله کنند و ذخایر ارزی خود را به صورت«یورو»نگهداری‏ نمایند طبعا تأثیر قابل‏توجهی بر ایجاد تقاضا برای«یورو»و کاهش تقاضا برای دلار خواهند داشت و موجب تقویت یورو و تضعیف دلار خواهند شد.

صادرکنندگان نفت و اتحادیه اقتصادی و پولی اروپا

همانطور که اشاره شد تصمیم کشورهای صادرکننده نفت در بکارگیری یورو در مبادلات نفتی،می‏تواند نقش بسزایی را در مسیر تقویت یورو و تضعیف دلار و رساندن جامعه اروپا به اهداف غائی خود، ایفا نماید اما در این میان کشورهای صادرکننده نفت با یک پارادوکس‏ اساسی روبرو هستند.پارادوکس مذکور به این صورت است که:هرچند کشورهای صادرکننده نفت(مانند سایر کشورهای جهان)در بلندمدت از اضمحلال سیطره دلار بر اقتصاد جهان منتفع می‏گردند اما در کوتاه‏مدت‏ و میان‏مدت و تا زمانی که نفت خام بر مبنای دلار قیمت‏گذاری می‏شود تضعیف دلار به زیان این کشورها تمام خواهد شد و تضعیف دلار در مقابل سایر ارزها و خصوصا در مقابل ین و یورو قدرت خرید کشورهای‏ صادرکننده نفت را در ژاپن و اروپا کاهش خواهد داد.به عبارت دیگر اگرچه حمایت از یورو در بلندمدت به نفع کشورهای صادرکننده‏ نفت است و این کشورها نیز از ناحیه سیطره دلار(خصوصا در دوران‏هایی‏ که ارزش دلار در مسیر نزولی بوده است)آسیب‏های فراوانی دیده‏اند اما در کوتاه‏مدت مسئله متفاوت است و تضعیف دلار به معنای تضعیف‏ قدرت خرید این کشورها در بلوک‏های غیردلاری خواهد بود.بنابراین اگر اتحادیه اقتصادی و پولی اروپا انتظار دارد که کشورهای صادرکننده نفت‏ (عضو یا غیرعضو اوپک)در جهت حمایت بلندمدت از«یورو»،این ارز را در معاملات خود به کار گیرند باید آمادگی داشته باشد که به نوعی زیان‏ صادرکنندگان نفت را جبران کرده و سوبسید لازم را به این کشورها پرداخت نماید.البته همانطور که قبلا نیز اشاره شد و هرزمان که یورو در مبنای قیمت‏گذاری نفت خام نقش پیدا کند پارادوکس مزبور برطرف‏ گردیده و نیز نیازی به چنین سوبسیدی وجود نخواهد داشت.

موضوعات فوق الذکر می‏تواند مبنای یک گفتگو جدی میان‏ سازمان اوپک و اتحادیه اروپا قرار گیرد که البته کشورهای صادرکننده‏ نفت غیرعضو اوپک نیز می‏توانند در این مذاکرات اوپک را همراهی و یاری نمایند.

البته کشورهای صادرکننده نفت باید توجه داشته باشند که حتی در بلندمدت متکی کردن مبنای قیمت‏گذاری نفت خام به«یورو»همان قدر غلط خواهد بود که تا امروز متکی بودن آن به دلار مشکل‏ساز و غلط بوده‏ است،بلکه قیمت‏گذاری نفت خام باید بر مبنای سبدی از سه ارز عمدهء جهانی‏ یعنی یورو،دلار و ین صورت پذیرد که از ثبات نسبی بیشتری برخوردار بوده و از نوسانات انفرادی هریک از این ارزها مصون باشد.